

گزارش یک



رضا دهشیری

سلسله گزارش‌های نقشه راه اقتصاد پویا؛ ۴

سیل نقدینگی به کجاچنین شتابان

هدایت هوشمندانه نقدینگی به تولید، اقتصاد ایران را از تورم نجات می‌دهد و به رونق پایدار می‌رساند

دلار، طلا، زمین و ساختمان قفل شده‌اند. سوداگران از این وضعیت سود می‌برند اما تولیدکنندگان واقعی، زیر فشار هزینه‌ها و بی‌مهری سیاست‌گذاران، نفس می‌کشند. آنچه بیش از اعداد و نمودارها اهمیت دارد، این است: چسرا نقدینگی که می‌تواند ستون اقتصاد باشد، به تهدیدی جدی برای معیشت مردم تبدیل شده؟ اگر نقدینگی به مسیر درستی هدایت نشود، نه تنها از ظرفیت‌های بالقوه کشور بهره‌برداری نخواهد شد، بلکه باید منتظر تورم‌های مهارناپذیر و رکودهای عمیق‌تر بود.

رسیده و در ۱۴۰۴ نیز رشدان ادامه‌دار بوده است. این رشد شتاب‌زده عمدتاً حاصل سیاست‌های پولی انبساطی، خلق پول بی‌ضابطه به وسیله بانک‌ها و تداوم کسری بودجه دولت است. در نگاه اول، این رقم می‌تواند نویدبخش سرمایه‌گذاری‌های گسترده و جهش تولید باشد اما واقعیت چیز دیگری است. بخش عمده این نقدینگی به سمت بازارهای غیرمولدی مانند ارز، طلا و مسکن سرازیر شده، بازارهایی که ضمن جذابیت بالا برای سوداگران، نه اشتغال‌آفرین هستند و نه تولید ارزش‌افزوده پایدار دارند. به‌عنوان نمونه، در سال گذشته قیمت دلار در بازار آزاد بیش از ۳۰درصد افزایش یافت، در حالی که یازده بخش صنعت حتی به ۱۵درصد هم نرسید. نتیجه، فرار سرمایه از تولید و هجوم به فعالیت‌های سفته‌بازانه است.

موانع ساختاری تولید، دیواری بلند در برابر سرمایه‌گذاران

برای یافتن ریشه این مشکل، باید به سراغ بسترهای ساختاری رفت. تولید در کشورمان با چالش‌هایی روبه‌روست که کار را برای ورود سرمایه دشوار کرده‌اند.

نقدینگی، اگرچه در ذات خود می‌تواند موتور محرک اقتصاد باشد اما در اقتصاد بی‌برنامه، بیشتر شبیه به سیلابی می‌ماند که به‌جای آبیاری زمین‌های تولید، خانه‌های مردم را زیر آب می‌برد. امروز در کشورمان، این سیلاب از مرز ۸ هزار هزار میلیارد تومان گذشته و هر روز بر حجمش افزوده می‌شود اما جهت ندارد، مقصد ندارد، فقط می‌چرخد و می‌بلعد. سرمایه‌هایی که می‌توانستند در کارخانه‌ها، پروژه‌های صنعتی، زیرساخت‌ها و نوآوری‌ها به کار گرفته شوند، اکنون در صف خرید

اشاره

در دیدار روزسه‌شنبه هفته گذشته رهبر حکیم انقلاب اسلامی با جمعی از مدیران کشور، نقشه‌ای راهبردی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور ترسیم شد. این نقشه راه، شامل ۱۰محور کلیدی است، از کنترل نقدینگی و اصلاح الگوی مصرف انرژی تا رفع موانع سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی با همسایگان. این راهبردها نه تنها برای عبور از چالش‌های اقتصادی فعلی ضروری‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحقق شعار سال ۱۴۰۴ یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» نیز خواهند بود. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌طور جداگانه بررسی می‌شود و تحلیل خواهند شد. این چهارمین گزارش است، یکی از بنیادی‌ترین این محورها یعنی، هدایت سرمایه‌ها و نقدینگی به سمت تولید تمرکز دارد.

بر اساس آمارهای بانک مرکزی، در پایان سال ۱۴۰۳ حجم نقدینگی به بیش از ۸ هزار هزار میلیارد تومان

گزارش ۲

بهنار قاسمی

سود سریع و بدون دردسر باشند. بازار ارز، با نوسانات لحظه‌ای‌اش، فضای وسوسه‌انگیزی برای سوداگران ایجاد کرده، بازاری که به دلیل کمبود نظارت و نبود شفافیت، بستری ایده‌آل برای گردش نقدینگی سرگردان شده است. همین وضعیت در بازار طلا و مسکن نیز دیده می‌شود.

سوداگری، از تولید پیشی گرفته و این چرخه معیوب هر روز عمیق‌تر می‌شود. از یک سو بانک‌ها منابع را به سمت بازارهای غیرمولد سوق می‌دهند، از سوی دیگر تولیدکننده واقعی برای دریافت تسهیلات، با سدهای بلند بوروکراتیک روبه‌روست. نتیجه این می‌شود که بخش تولید به‌رغم ظرفیت بالای اشتغال‌آزایی، در حاشیه باقی می‌ماند و نقدینگی، به‌جای تبدیل شدن به سرمایه‌گذاری، در قامت تورم ظاهر می‌شود. سه راهکار برای بازگرداندن نقدینگی به مسیر درست کارشناسان اقتصاد بر این باورند که برای هدایت نقدینگی به سمت تولید، باید سه اقدام اساسی و هماهنگ صورت گیرد.

اول، اصلاح نظام بانکی و تغییر در ساختار تخصیص تسهیلات. بانک‌ها باید از نگاه‌داری خارج شوند و با شفاف‌سازی عملکرد، منابع را به بخش‌های مولد اقتصاد اختصاص دهند. شفافیت در اعطای تسهیلات، نظارت مؤثر و تشویق بانک‌ها به حمایت از پروژه‌های تولیدی، بخشی از این مسیر است. دوم، کاهش جذابیت بازارهای غیرمولد از طریق ابزارهای مالیاتی. وضع مالیات بر عایدی سرمایه، به‌ویژه در بازارهای ارز، طلا، خودرو و مسکن، می‌تواند از سودهای کلان دلالتی بکاهد و انگیزه فعالیت در این حوزه‌ها را کاهش دهد. تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نشان داده، سیاست‌های مالیاتی هوشمندانه، می‌تواند سرمایه را به‌سوی تولید هدایت کنند. سوم، ارائه مشوق‌های هدفمند به سرمایه‌گذاران تولیدی. معافیت‌های مالیاتی، تخفیف‌های گمرکی برای واردات ماشین‌آلات، خرید تضمینی محصولات تولیدی و ایجاد بازارهای مطمئن فروش، می‌تواند جذابیت سرمایه‌گذاری در تولید را افزایش دهد. اجرای این سیاست‌ها مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی بین قواست.

نقش مردم، از سپرده‌گذار تا شریک تولید

نخستین مانع، بوروکراسی سنگین و کند است. گزارش‌ها نشان می‌دهد، دریافت مجوز برای یک واحد تولیدی به‌طور میانگین ۱۸ ماه زمان می‌برد. این زمان طولانی، بسیاری از سرمایه‌گذاران را از یادرمی‌آورد. در کنار آن، بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات نرخ ارز و پیش‌بینی‌ناپذیری تصمیم‌های دولت، ریسک سرمایه‌گذاری در تولید را بالا برده‌اند. تجربه ثابت کرده که در اقتصاد با تورم مزمن و قوانین متغیر، کمتر کسی حاضر است، سرمایه خود را در مسیرهای بلندمدت و مولد به خطر بیندازد و در نهایت، نظام بانکی نه تنها نقش حمایتی از تولید ایفا نمی‌کند، بلکه خود به رقیبی برای تولید بدل شده است. بسیاری از بانک‌ها در قالب نگاه‌داری، منابع خود را به پروژه‌های ملکی، تجاری و دلالتی اختصاص داده‌اند. آمارهای رسمی نشان می‌دهد، تنها ۱۴درصد تسهیلات بانکی در سال ۱۴۰۳ به بخش تولید اختصاص یافته، در حالی که بیش از ۶۵درصد به بخش خدمات و بازرگانی تعلق گرفته است.

نقدینگی بی‌جهت، چرخش سرمایه به دور تولید

در این شرایط، طبیعی است، سرمایه‌گذاران به دنبال

نقدینگی

اگر نقدینگی با سیاست‌های شفاف و اصلاحات ساختاری به تولید هدایت نشود، اقتصاد کشورمان با تورم و رکود هم‌زمان روبه‌رو خواهد شد

تجربه نشان داده، اگر تنها یک قوه یا یک نهاد بخواهد مسیر را اصلاح کند، موفق نخواهد بود. باید همه نهادها درک مشترکی از اولویت تولید داشته باشند و سیاست‌گذاری‌ها در این راستا همسو شوند. مهم‌ترین مانع پیش‌روی هدایت نقدینگی، بی‌اعتمادی عمومی به سیاست‌های اقتصادی است. تا زمانی که مردم احساس نکنند، سیاست‌گذاری‌ها قابل پیش‌بینی، شفاف و پایدار است، نقدینگی همچنان در مسیرهای غیرمولد حرکت خواهد کرد.

در ادامه برای واکاوی ریشه‌های انحراف نقدینگی و ارائه راهکارهای قابل اجرا، به سراغ محمدعلی حسینی، اقتصاددان رقتیم، او معتقد است، بحران نقدینگی در ایران نه تنها ناشی از سیاست‌های پولی غلط، بلکه حاصل ساختار معیوب بانکی، نبود ثبات اقتصادی و بی‌اعتمادی گسترده میان فعالان اقتصادی است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی سریع و تحلیلی با او است.

نقدینگی در ایران رشد شدیدی داشته، اما چرا این حجم عظیم پول به جای تولید، راهی بازارهای غیرمولد می‌شود؟

ریشه این مسئله در ترکیب سه عامل است: بازدهی پایین تولید، نبود ثبات اقتصادی و ساختار معیوب نظام

نقدینگی

شعار «تولید، محور توسعه» تازمانی که با اصلاحات ساختاری، تثبیت اقتصادی و اعتمادسازی همراه نباشد، در حد وعده باقی می‌ماند. اراده سیاسی، هماهنگی نهادی و برنامه‌ریزی بلندمدت، لازمه تبدیل نقدینگی سرگردان به پیشران رشد اقتصادی پایدار است. شعار کافی نیست، زمان عمل فرا رسیده است

بانکی. در اقتصادی که نرخ تورم بالای ۴۰درصد است و سود بانکی کمتر از آن، طبیعی است که سرمایه‌گذار به دنبال بازارهایی چون ارز، طلا یا مسکن برود. تولید زمان‌بر، پربریک و تحت فشار بوروکراسی سنگین است، در حالی که بازارهای غیرمولد سود سریع و بدون دردسر می‌دهند.

در گزارش اشاره شد، تنها ۱۴درصد از تسهیلات بانکی به تولید اختصاص یافته. چرا بانک‌ها تمایلی به حمایت از تولید ندارند؟

به این دلیل که بانک‌ها تبدیل به بنگاه اقتصادی شده‌اند. وقتی بانک مالک شرکت سرمایه‌گذاری، کارخانه، یا حتی پروژه ساختمانی است، چرا باید به یک تولیدکننده مستقل تسهیلات بدهد؟ بانک به‌دنبال بازده سریع و بدون ریسک است. به همین دلیل، تسهیلات به بخش‌هایی می‌رود که نقدشوندگی و سود بیشتری دارند، نه به تولید.

نظام بانکی را چطور می‌توان اصلاح کرد تا نقدینگی را به سمت تولید سوق دهد؟

اولین قدم، خروج بانک‌ها از نگاه‌داری است. بانک باید واسطه مالی باشد، نه رقیب تولیدکننده. دوم، شفاف‌سازی در اعطای تسهیلات است. باید مشخص باشد چه بانکی، به چه کسی، با چه ضمانتی و برای چه پروژه‌ای وام داده. سوم، تدوین نظام اعتبارسنجی دقیق است، تا منابع به افراد و بنگاه‌های سالم و بهره‌ور تخصیص یابد، نه به رانت‌جویان.

چرا با وجود تجربه‌های موفق جهانی، در ایران نتوانسته‌ایم نقدینگی را به تولید هدایت کنیم؟

ما دچار روزه‌رمگی سیاستگذاری هستیم. کشورهایی مثل سنگاپور، کره جنوبی یا مالزی توانستند با ثبات اقتصادی، نظام مالی شفاف و مشوق‌های هوشمند، نقدینگی را به تولید تزریق کنند. اما در ایران، قوانین هر ماه عوض می‌شود، سیاست‌ها کوتاه‌مدت‌اند و مهم‌تر از همه، اعتماد عمومی به سیستم اقتصادی بسیار پایین است. سرمایه‌گذار وقتی نمی‌داند فردا چه خواهد شد، وارد تولید نمی‌شود.

تحریم‌ها چقدر در این وضعیت نقش دارند؟

تحریم اثرگذار است اما عامل اصلی نیست. حتی اگر تحریم هم برداشته شود، تا زمانی که ساختار بودجه، نظام بانکی و نظام ارزی اصلاح نشوند، وضعیت تغییر نمی‌کند. مشکل اصلی، اقتصاد رانتی، بی‌انضباطی مالی و نبود شفافیت است. تحریم بیشتر نقش تشدیدکننده دارد، نه علت‌العلل بحران.

نقش دولت در هدایت نقدینگی چیست؟ چه ابزارهایی در اختیار دارد؟

دولت می‌تواند از طریق سیاست‌های مالیاتی، جهت سرمایه‌را تعیین کند. مثلاً وضع مالیات بر عایدی سرمایه به بازارهایی مثل مسکن، خودرو و ارز می‌تواند جذابیت این بازارها را کم کند. از سوی دیگر، ارائه مشوق‌هایی نظیر معافیت مالیاتی، حمایت صادراتی و تسهیل صدور مجوز برای تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاری در بخش مولد را جذاب می‌کند. اما همه این‌ها مشروط به یک چیز است: ثبات.

در گزارش به ابزارهای نوین تأمین مالی مثل بورس پروژه و تأمین مالی جمعی اشاره شد. چقدر این مدل‌ها را عملی می‌دانید؟

این ابزارها ظرفیت بالایی دارند، به‌ویژه برای جذب سرمایه‌های خرد مردم. اما دو پیش‌نیاز دارند: شفافیت کامل و نظارت دقیق. اگر مردم احساس کنند پروژه‌ای شفاف است، نظارت دارد و امکان رصد بازدهی‌اش وجود دارد، حتماً مشارکت می‌کنند. تجربه برخی پروژه‌های کشاورزی و صنعتی در ۱۴۰۳ نشان داد این مسیر، شدنی است.

شعار امسال «تولید، محور توسعه» است. با توجه به شرایط موجود، چقدر تحقق این شعار را ممکن می‌دانید؟

با ساختار فعلی اقتصاد، برای تحقق این شعار باید تلاش بیشتری شود. تولید محور توسعه نمی‌شود مگر آن که اصلاحات ساختاری واقعی اتفاق بیفتد. از اصلاح نظام بانکی و مالیاتی گرفته تا تثبیت نرخ ارز، سده‌سازی مجوزها و کاهش فساد. شعار دادن کافی نیست، آنچه مهم است، اراده اجرایی و هماهنگی میان نهادهاست.

اگر بخواهید یک راهکار اولویت‌دار و فوری پیشنهاد بدهید، چه خواهد بود؟

اصلاح نظام تخصیص تسهیلات بانکی. یعنی بانک‌ها ملزم به اختصاص درصد معینی از منابع‌شان به بخش‌های مولد شوند و بر آن نظارت دقیق صورت گیرد. این اقدام، در کنار شفاف‌سازی و اصلاح ساختار بودجه، می‌تواند در کوتاه‌مدت اثرگذار باشد. اما در بلندمدت، نیاز به باطرراحی کل نظام اقتصادی داریم.

نقدینگی

امامی می‌گوید: متأسفانه جایگاه ترانزیت در کشور مشخص نیست. هنوز سرارقام ترانزیت کالا میان دستگاه‌ها اختلاف نظر وجود دارد و دستگاهی میزان ترانزیت در سال گذشته را ۱۷/۵میلیون تن و دستگاه دیگر ۲۱میلیون تن اعلام می‌کند

به دنبال هماهنگی در توسعه حمل‌ونقل و زیرساخت‌های آن در مبدأ و مقصد باشیم. برای رسیدن به این هدف در برنامه هفتم توسعه ستاد ترانزیت در نظر گرفته شده که دبیرخانه آن در وزارت راه و شهرسازی است و ریاست آن به عهده ریاست جمهوری با معاون اول رئیس‌جمهور است. با پیگیری و برگزاری این ستاد می‌توان به هماهنگی مورد نظر رسید. به دلیل اختلافاتی که در مرزها و گمرک‌های مرزی در اجرای عملیات حمل‌ونقل بین‌المللی وجود دارد، ایفای نقش مطلوب در حوزه حمل‌ونقل بین‌المللی دشوار است. تضاد منافع سازمان‌های مختلف در حوزه پایانه‌های مرزی باعث ایجاد مشکلات در تسهیل فرایند ترانزیت شده است. معطلی ناوگان حمل‌ونقل برآیند این مشکلات است.

دستگاه مستقر در مرز، ترانزیت کالا را کند می‌کند

وی تأکید می‌کند: ۱۲/۵ میلیارد تن بار در دنیا وجود دارد. باید اجماعی در کشور به وجود بیاید که ترانزیت کالا اهمیت بالایی دارد و علاوه بر ایجاد اشتغال و کسب درآمد بالا برای کشور از نظر امنیتی نیز مفید است. اختلافاتی



از خاک ایران و حمل‌گوگرد و مشتقات نفتی ترکمنستان از خاک ایران عنوان کرده و می‌گوید: درست است که در ترانزیت کالا رشد داشتیم اما همسایه‌های ایران نیز بیکار ننشسته‌اند و به دنبال جذب بار بیشتری هستند. اکنون باید با برداشتن موانع این ارقام را برای سال جاری و آینده حفظ کنیم.

سیدعلی امامی می‌افزاید: زیرساخت‌های حمل و نقل و حضور در کریدورهای بین‌المللی یکسای جدی‌ترین بحث‌های موجود در حمل‌ونقل بین‌المللی کلاست. ماباید

سیاه و نیاز به حمل کالا از مسیر ایران و رابزنی‌های فراوان منطقه‌ای و درخواست و استقبال همسایگان در آسیای میانه جهت سهولت و روانسازای مسیرهای حمل و نقلی داخل ایران اما عملاً سهیم ایران از ترانزیت اندک است. به طوری که تا پیش از سال ۱۴۰۳ میزان ترانزیت کالا از خاک ایران ۱۰ میلیون تن بود اما از سال گذشته این ارقام تغییر کرده و رکورد زد.

کشور ما در طول چند سال اخیر فرصت‌های زیادی را برای افزایش مقدار کالای عبوری از کشور داشته است. اما رجوع به آمار نشان می‌دهد، به عنوان مثال بعد جنگ روسیه و اوکراین، روسیه فقط یک‌درصد از حمل و نقل کالای تجاری شرکت‌های تجاری ما در حوزه کریدور شمال جنوب است، ارتباط دریایی مستقیم میان بندار هند و بندار روسیه را برقرار کرده است و در عمل این کالاها از مسیر ایران عبور نمی‌کنند.

همچنین یکی از فرصت‌های حمل و نقل برای کشور، حمل‌ونقل غرب به شرق با محوریت بندر چابهار است که پیشرفت این پروژه چندان قابل توجه نبوده است. اقداماتی که ما باید انجام دهیم، در دو بخش قابل بررسی است. اول اینکه، رفع ضعف در شبکه‌های سخت‌افزاری مانند اتصال راه‌آهن چابهار و تکمیل مسیرهای مفقوده در این مسیر که باعث کم‌شدن سرعت ناوگان جاده‌ای و ناوگان ریلی شده است. دومین اقدام، ایجاد ستاد مشترک برای رصد کردن فعالیت رقیبای ما در مسیرهای اطراف کشور و رصد این اتفاقات برای افزایش رقابت‌پذیری با این کشورهاست.

افزایش حمل مشتقات نفتی عراق از خاک ایران و حمل‌گوگرد و مشتقات نفتی ترکمنستان از خاک ایران موجب شد، ترانزیت خارجی ایران در سال گذشته از ارقام برنامه هفتم پیشی بگیرد و به ۲۱میلیون و ۹۱۲هزار تن کالا برسد. این ارقام در مقایسه با سال قبل از آن ۲۲/۵درصد افزایش داشته است. به این ترتیب با شکست حد نصاب ترانزیت کالا از ایران، به هدف برنامه هفتم توسعه که ترانزیت ۴۰میلیون تنی کالا در سال است نزدیک شدیم. اما نکته قابل توجه حفظ و ثبات این میزان ترانزیت است. مدیر کل پشتیبانی و لجستیک ستاد سازمان توسعه تجارت ایران با تأکید بر اینکه تکلیف برنامه هفتم و ستاد ترانزیت با ریاست رئیس‌جمهور با معاون اول، سریعاً باید راه‌اندازی شود می‌گوید: ستاد ترانزیت اختلافات میان دستگاه‌ها را رفع می‌کند. در حال حاضر ۱۸دستگاه مستقر در مرزها، عبور و مرور کالا از خاک ایران را کند کرده‌اند. چرا که هر دستگاهی بر اساس قوانین خودشان، وظایف مشخصی دارند که سرعت ترانزیت را کاهش می‌دهند.

ترانزیت یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی کشور است که به لحاظ ارزآوری و نیز بعد امنیتی و سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به رونق کشور کمک می‌کند. با توجه به استقرار ایران در دو کریدور شرق به غرب و شمال به جنوب و با جمیع قابلیت‌های بالقوه و ظرفیت‌های موجود، سهم اندکی از ترانزیت را به خود اختصاص داده‌ایم. به رغم فرصت‌های ایجاد شده در دو سال اخیر به ویژه جنگ روسیه – اوکراین و کاهش شدید حمل بار از دریای